

# مصاحبه



مهندس خاموشی در مصاحبه با روزنامه همشهری:

## اجرای اصل (۴۴) یعنی رونق و توسعه اقتصادی کشور

اشاره

با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در تیرماه سال جاری توسط مقام معظم رهبری و فراهم شدن زمینه حضور مردم در خصوصی‌سازی گسترده و در عین حال کاهش تصدیگری دولت در اقتصاد کشور، مهندس علینقی خاموشی رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه همشهری مورخ ۳۰ و ۳۱ تیرماه جاری نقطه نظرات خود را پیرامون سازوکارهای اجرایی این سیاست‌ها، مشکلات پیش‌رو، تاثیر این سیاست‌ها بر فعالیت بخش خصوصی و برنامه اتاق ایران مطرح کرد که در پی از نظر تان می‌گذرد. تحریریه

### ● ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ چه تاثیری بر فعالیت بخش خصوصی و اقتصاد کشور خواهد داشت؟

○ با ابلاغ این سیاست‌ها موانع قانونی حضور بخش غیردولتی در عرصه‌های اقتصادی که قبلاً در انحصار دولت بوده، برطرف شده و معتقدم اگر بستر و ابزار اجرای این سیاست‌ها فراهم شود، حجم اقتصاد بخش مردمی و غیردولتی به شدت افزایش یافته و تصدی دولت در اقتصاد را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد. اجرای شدن این سیاست‌ها رونق و توسعه اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری بخش مردمی در اقتصاد را به دنبال داشته و ایجاد اشتغال، مهار تورم و



افزایش حجم تجارت خارجی ایران از جمله دستاوردهای آن خواهد بود. در صورت تحقق این سیاست‌ها شکل‌گیری رفاه اجتماعی و فقرزدایی واقعی میسر خواهد بود.

### ● نگرش بخش غیردولتی به این سیاست‌ها چگونه بوده، آیا بخش خصوصی آمادگی لازم برای حضور در این عرصه‌ها را دارد؟

○ میزان توانمندی بخش خصوصی برای اجرای این سیاست‌ها ارتباط تنگاتنگی با ابزارهای اجرای این سیاست‌ها دارد. اکنون بیش از ۹۰ درصد ابزارهای اجرای این سیاست‌ها و گسترش حضور بخش غیردولتی در اقتصاد کشور در دست دولت است. اگر دولت برای دستیابی به این اهداف، زمینه‌های اجرای سیاست‌های مذکور و راهکارهای لازم را در نظر گیرد، این امر موجب شکل‌گیری بخش خصوصی توانمند خواهد شد. باید توجه کرد هنگامی که توان یا عدم توانمندی بخش خصوصی برای حضور موثر در اقتصاد کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، بحث در شیوه‌های مدیریت در این بخش نبوده چرا که در کشورمان تغییر مدیریت‌ها تنها جابجایی محل کار مدیران را موجب می‌شود و مدیران مذکور زمانی مدیر دولتی و در زمان دیگر مدیرانی غیردولتی محسوب می‌شوند. موضوع اصلی برای ورود بخش خصوصی به عرصه‌های مذکور توان مالی بخش غیردولتی و مردمی است. با وجود نقدینگی در جریان بسیار بالا در اقتصاد ایران، متأسفانه به دلیل سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد هنوز قادر به جذب نقدینگی موجود در مسیر صحیح سرمایه‌گذاری نبوده‌ایم.

از سوی دیگر، این انتظار وجود دارد که برای ورود بخش غیردولتی به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی باید تخصیص اعتبار سرمایه‌گذاری در بخش غیردولتی حداقل در حد اعتباراتی باشد که دولت به واحدهای تحت پوشش خود ارائه می‌کند. همچنین باز کردن راه ورود بخش غیردولتی برای استفاده

از سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر عوامل موثر در میزان توفیق بخش غیردولتی برای حضور در عرصه‌های مذکور است.

**از دولت انتظار زیادی نداریم اما حداقل این انتظار وجود دارد تا با بخش غیردولتی مانند سرمایه‌گذاران خارجی رفتار شود یا در زمینه پتروشیمی باید همانگونه که به سرمایه‌گذاری‌های دولتی توجه می‌شود، زمینه فعالیت بخش خصوصی نیز فراهم گردد.**

### ● بخش غیردولتی باید چه اقداماتی برای ورود به عرصه‌های اقتصادی ابلاغ شده به عمل آورد، برنامه‌های اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران چیست؟

○ باید توجه کرد که همه ابزارها در دست دولت است. گرچه نمی‌خواهم دولت را متهم کنم اما آنچه تا به حال به سیاست‌های اصل ۴۴ نسبت داده می‌شود، وجود برخی انحصارات در صنایع بزرگ و سرمایه‌بری بود که بخش غیردولتی اجازه ورود به آن را نداشت، به همین دلیل در کشورمان راهی برای انجام تمرین سرمایه‌گذاری وجود نداشته تا بخش خصوصی خود را برای انجام چنین سرمایه‌گذاری‌های سنگینی آماده کند. پس از ابلاغ بندهای "الف" و "ب" سیاست‌های مذکور، برخی انحصارات دولتی برای سرمایه‌گذاری برداشته شد. ابلاغ این سیاست‌ها میدانی برای حضور بخش‌های غیردولتی و خصوصی فراهم ساخته است. گرچه جمع‌آوری منابع مالی افراد توسط بخش خصوصی، تامین اعتبارات بانکی داخلی و دسترسی به منابع و اعتبارات بانکی

خارجی از چالش‌های پیش روی اجرای این سیاست‌ها است که قسمت اول بر عهده بخش‌های غیردولتی و دو بخش دیگر نیازمند ایجاد ابزارهای لازم توسط دولت است. تا پیش از ابلاغ سیاست‌های مذکور، دولت لزومی برای ارائه راهبردهای اجرایی حضور بخش غیردولتی در اقتصاد احساس نکرده است اما اکنون لازم است تا تامین سرمایه مورد نیاز برای توانمندسازی بخش غیردولتی مورد توجه قرار گیرد.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بعد از ابلاغیه رهبری و روشن شدن سیاست‌های جدید اصل ۴۴ مذاکرات جدی را برای ورود به عرصه‌های مذکور آغاز کرده است. تشکیل کمیته‌های راهبردی در اتاق ایران و اتاق‌های استان‌ها از جمله این اقدامات است. در این کمیته‌ها افراد مختلفی در شاخه‌های مختلف سرمایه‌گذاری، حقوقی و صنعتی حضور داشته و مشکلات اجرای این سیاست‌ها را به شکل موردی بررسی می‌کنند تا راهکارهای لازم برای رفع این موانع به تصمیمگیران و سیاستگذاران ارائه شود.

از سوی دیگر، برای تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌ایم. این شرکت‌ها به صورت سهامی عام بوده و سهامداران آن را عاملان اقتصادی شناخته شده تشکیل می‌دهند. همچنین سهام این شرکت‌ها در بورس عرضه شده و در واقع شرکت‌های مذکور شرکت‌های مادر با توان دسترسی به فاینانس و اعتبارات خارجی هستند که با اعتمادی که در سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کنند، زمینه لازم برای تامین منابع مورد نیاز از بازار اعتباری بانک‌های داخلی را نیز فراهم می‌سازند. بخش خصوصی حضور در صنایع سنگین و بزرگ مذکور در سیاست‌های بند "الف" اصل ۴۴ را هدفگیری نموده و سیاست‌های بند "ج" از اهمیت کمتری برخوردار است. در واقع، با برداشته شدن انحصارات دولتی از صنایع مذکور تلاش می‌کنیم تا با تجهیز بخش خصوصی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های جدید کار کنیم، چرا که اجرایی شدن سیاست‌های بند الف بسیار

کارسازتر از عرضه و خرید ۸۰ درصدی صنایع قابل واگذاری دولت است، این کار به تدریج انجام خواهد شد.

### ● امکان اجرایی شدن سیاست‌های مذکور تا چه حد است؟

○ معتقدم امکان پیاده‌سازی صددرصد این سیاست‌ها در صورتی که سیاست‌ها و راهبردهای لازم توسط دولت و مجلس هر چه زودتر اتخاذ شود، وجود دارد. باید هر چه زودتر در این زمینه اقدام شود چرا که متأسفانه طی دو سال اخیر در مورد دو بند اول سیاست‌های ابلاغی، اقدام عملی صورت نگرفته است. باید خیلی از موارد اصلاح شود مثلاً وزارت نفت باید شرایط دادن موافقت اصولی به بخش غیردولتی برای ساخت پالایشگاه یا فعالیت در صنایع زیردستی نفت را که در انحصار داشته مورد تجدیدنظر قرار دهد چرا که سیاست‌های کنونی این وزارتخانه‌ها به طور کلی راه بخش خصوصی را مسدود کرده است.

از دولت انتظار زیادی نداریم اما حداقل این انتظار وجود دارد تا با بخش غیردولتی مانند سرمایه‌گذاران خارجی رفتار شود یا در زمینه پتروشیمی باید همانگونه که به سرمایه‌گذاری‌های دولتی توجه می‌شود، زمینه فعالیت بخش خصوصی نیز فراهم گردد. باید بسیاری از مسایل مورد بازبینی قرار گیرد، وقتی وزارت نیرو آزادسازی تاسیس نیروگاه توسط بخش خصوصی را اعلام می‌کند، باید دقیقاً سیاست‌های خود را مشخص نماید که برای این کار سوخت با چه نرخی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و برق را با چه نرخی خریداری می‌کند؟ همچنین شرایط بخش غیردولتی در مقایسه با سرمایه‌گذاران خارجی چگونه است؟ باید این موارد روشن شود تا بدانیم به کجا می‌رویم.

با مشخص شدن سیاست‌ها و تشخیص نواقص موجود، این اشکالات قابل رفع خواهد بود چرا که برخی موارد نیازمند تصویب قوانین در مجلس است اما بیشتر

موانع در وزارتخانه‌ها و سیستم بانکی قابل رفع می‌باشد.

### ● با توجه به سیاست‌های اقتصادی دولت نهم، ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ چه تاثیری در روند فعالیت دولت خواهد داشت؟

○ باید فعالیت اقتصادی دولت نهم را

*سال‌ها طول کشیده و زیان‌های بسیاری متحمل شده‌ایم تا مخالفین را متقاعد کنیم که سرمایه‌گذاری زمینه‌ساز اشتغال و رفع بیکاری و فساد اجتماعی است. این کارها یک شبه انجام نشده و ۲۷ سال به طول انجامیده است.*

از حالا به بعد نظاره کرد چرا که ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴، ساختار اقتصادی کشور را دگرگون خواهد کرد. اگر دولت در راه اجرایی کردن اهداف مذکور قدم بردارد که قاعدتاً اینگونه خواهد بود، دولت کنونی می‌تواند گام‌های بسیار مثبتی را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور بردارد. معتقدم اگر دولت بخواهد می‌تواند زیرساخت‌های اجرایی لازم برای تحقق سیاست‌های ابلاغی را فراهم کند. باید توجه کرد، وقتی می‌گوییم دولت تنها منظور شخص رییس جمهور یا وزرا نبوده بلکه باید دید حتی کوچکترین کارمند دولت نیز به شکل‌گیری این تغییرات معتقد بوده یا اشکال تراشی می‌کند؟ این جابه‌جایی از سیستم دولتی متمرکز به سیستم غیردولتی با مشکلاتی همراه بوده و رها کردن آن برای بدنه دستگاه‌های دولتی به سادگی مقدور نیست.

### ● آیا معتقدید بدنه دستگاه‌های دولتی به عنوان مانعی در اجرایی

### شدن این سیاست‌ها است؟

○ حتی بدون در نظر گرفتن تجربیات سال‌های گذشته خصوصی‌سازی در ایران، آنچه به طور طبیعی وجود دارد، این است که وقتی مدیر یک دستگاه دولتی اعتبار خود را در موقعیت و امضایی می‌بیند که در چارچوب ضوابط اداری به آن دست یافته، با تغییر سیاست‌ها و واگذاری تصدی‌های دولتی به بخش خصوصی و به خطر افتادن



این موقعیت، مقاومت‌هایی در مدیران شرکت‌های دولتی وجود دارد.

دولت باید نظم و انضباط لازم برای اجرای قوانین را در بدنه دستگاه‌های اجرایی به شدت اعمال کند. اکنون بخش خصوصی چوب‌خور دستگاه‌های دولتی شده و تنها نامهربانی‌ها را به دولت منعکس می‌کند، به این امید که دولت به اعتراض آن رسیدگی کند. معتقدم برای اجرایی شدن سیاست‌های اصل ۴۴ و فراهم آمدن زمینه‌های آن باید مرکزی زیرنظر وزرا در هر وزارتخانه تشکیل شده تا با دریافت شکایات به کارشناسی‌های احتمالی برای اجرایی شدن این سیاست‌ها رسیدگی کند. وزارتخانه‌های دولتی باید این مقاومت‌ها که به دلیل برداشته‌های اشتباه از سیاست‌های ابلاغی و ترس از به خطر افتادن اقتدار دستگاه‌های دولتی شکل می‌گیرد را از بین ببرند چرا که با وجود این واگذاری‌ها، اقتدار و حاکمیت دولت به خطر نیفتاده است. این مقاومت‌ها می‌تواند اجرایی شدن سیاست‌های مذکور را با مشکل مواجه کند. تشکیل این مرکز می‌تواند مقاومت‌های مذکور را به وزرای ذی‌ربط منتقل نموده و برخورد لازم صورت گیرد. اگر این کار حتی

در مدت زمان کوتاهی انجام شود، کمک موثری به اجرای سیاست‌های مذکور می‌کند.

### ● با وجود این مقاومت‌ها به نظر شما اجرای سیاست‌های ابلاغی نیازمند چه مدت زمانی است؟

○ هنوز مشخص نیست که دولت چگونه راهبردهای اجرایی شدن سیاست‌های مذکور را فراهم خواهد کرد. این امر بستگی به سرعت عمل دولت دارد. اگر دولت به این

**اکنون بخش خصوصی چوب‌خور دستگاه‌های دولتی شده و تنها نامهربانی‌ها را به دولت منعکس می‌کند، به این امید که دولت به اعتراض آن رسیدگی کند.**

ریزه‌کاری‌ها توجه کافی نموده و زودتر نسبت به رفع اشکالات اقدام کند، سیاست‌های مذکور در حداقل زمان ممکن اجرایی خواهد شد اما در صورتی که دولت از کنار این مسایل بی‌تفاوت بگذرد، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی برای اجرای این سیاست‌ها متصور بود.

### ● علاوه بر شکل‌گیری راهبردهای لازم در دولت، بخش خصوصی با چه مشکلات و چالش‌های درونی برای اجرای این سیاست‌ها روبه‌رو است؟

○ بخش خصوصی انتظار بستری آماده برای کار دارد و به جز بسترسازی از دولت انتظار دیگری نداریم. بخش غیردولتی برای حضور در این عرصه آنچه را که در حیطة وظایف خود است، انجام می‌دهد. این انتظار را نداریم تا دولت وظایف بخش خصوصی در این زمینه را نیز بر عهده گیرد تا این بخش نازپروده شده و در اجرای این سیاست‌ها مشارکت کند. مثلاً باید زمین، برق، آب و ... برای احداث واحدهای صنعتی توسط دولت

در اختیار بخش غیردولتی قرار گیرد یا در گشایش اعتبار موانع موجود برطرف شود.

بخش خصوصی، هنر تامین سرمایه برای مشارکت در این عرصه را دارد. شکل‌گیری ۴ الی ۵ بانک غیردولتی بیانگر این توانمندی است به نحوی که دولت قادر نبوده مانند بانک‌های خصوصی پول جمع‌آوری کند. نگرانی‌ای در زمینه توانمندی بخش خصوصی نداریم اما باید به چند نکته توجه کرد. وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری می‌شود این امر بدان معنا نیست که پول‌های پنهان به عرصه اقتصاد وارد خواهد شد. در هر کشور سرمایه‌های مردم در بانک‌ها جمع‌آوری می‌شود، باید این پول‌ها توسط سرمایه‌گذاران به کار گرفته شود اما سیستم اعتباراتی تاکنون مانعی در تحقق این امر بوده است. تاکنون هر وقت تسهیل در استفاده بخش خصوصی از سرمایه‌های مردم عنوان می‌شد، این گونه استدلال می‌کردند که این بخش می‌خواهد با پول مردم کار کند.

در طول سال‌های گذشته بی‌مهری‌های زیادی دیده‌ایم و در مجامع مختلف از بخش خصوصی با القابی مانند زالوصفت یاد می‌شد. سال‌ها طول کشیده و زیان‌های بسیاری متحمل شده‌ایم تا مخالفین را متقاعد کنیم که سرمایه‌گذاری زمینه‌ساز اشتغال و رفع بیکاری و فساد اجتماعی است. این کارها یک شبه انجام نشده و ۲۷ سال به طول انجامیده است.

### ● خصوصی‌سازی در طول برنامه‌های اول تا چهارم توسعه توفیق چندانی نداشته و در عمل بسیاری از شرکت‌های دولتی تحت لوای خصوصی‌سازی حیف و میل شده، امکان تکرار تجربیات گذشته در سیاست‌های ابلاغی تا چه حد است؟

○ اهداف خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف متفاوت است. در برخی مواقع هدف از خصوصی‌سازی تامین منابع مالی مورد نیاز دولت است اما در صورتی که هدف از

واگذاری شرکت‌های دولتی افزایش تولید ناخالص ملی باشد، این هدفگیری روش خصوصی‌سازی را ترسیم می‌کند. اگر قیمتگذاری شرکت‌های دولتی برای حفظ منافع دولت یا آنچه تحت عنوان حفظ انفال نامیده می‌شود، صورت گیرد، انتظار فروش شرکت‌ها به قیمت بالاتر را موجب می‌گردد. نباید توقعی از خریدار برای افزایش تولید

**سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی توانمندی لازم را دارند اما وجود قیدوبندهای دست و پاگیر موجب شده تا بخش‌های غیردولتی قادر به حضور و سرمایه‌گذاری در این زمینه نباشند.**

داشت چرا که وقتی خریدار با چنین قیمتگذاری مثلاً یک کارخانه را می‌خرد، با پشت پرده سیاست‌های اتخاذ شده هماهنگ بوده و پس از فروش کارخانه منافع خود را دنبال می‌کند، گرچه دولت نیز از فروش کارخانه به قیمت بالاتر خرسند است اما در عمل کارخانه تعطیل شده است. اگر خرید و فروش اقتصادی بوده و پس از محاسبه بازده و براساس تراز سالیانه و سود حاصل از آن، کارخانه مذکور با هدفگیری مستمرار و بهینه‌سازی تولید قیمتگذاری شود، این امر به معنای واگذاری انفال به کمترین بها نبوده و می‌توان در قرارداد قیدهایی مانند ممانعت از فروش کارخانه تا ۲۰ سال را ذکر کرد. معتقدم در طول برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، سیستم قیمتگذاری شرکت‌های دولتی غلط بوده و این امر موجب گردیده تا واگذاری شرکت‌های دولتی با هدف تامین منابع مالی مورد نیاز دولت انجام شود و در واقع شرکت‌های مذکور حیف و میل شده‌اند.

### ● در سیاست‌های ابلاغی قیمتگذاری شرکت‌های دولتی در

## چارچوب ضوابط بازار سرمایه پیش‌بینی شده، ارزیابی شما چیست؟

○ قیمت‌گذاری در قالب بورس نیز نمی‌تواند کارساز باشد. شکل‌گیری حباب در بازار سرمایه نیز نشانگر واقعی نبودن قیمت‌گذاری‌ها است. قیمت سهام برخی شرکت‌هایی که در بورس عرضه می‌شود، واقعی نیست چرا که این شرکت‌ها قادر نیستند تا با فروش همه سهام خود مبالغ سرمایه‌گذاری سهامداران را بازپس دهند. این

**اگر قیمت‌گذاری شرکت‌های دولتی برای حفظ منافع دولت یا آنچه تحت عنوان حفظ انفال نامیده می‌شود، صورت گیرد، انتظار فروش شرکت‌ها به قیمت بالاتر را موجب می‌گردد.**

شیوه قیمت‌گذاری سیستم بادکنکی در بورس را تقویت نموده و بسیار خطرناک است. همانطور که قبلاً عنوان شد، باید مشخص شود که هدف از واگذاری‌ها، کسب درآمد دولت یا حفظ منابع تولید است؟ اگر هدف تولید است، باید سیستم قیمت‌گذاری از طریق محاسبه بازده سرمایه‌گذاری تعیین شود. در ابلاغ این سیاست‌ها نیز قیمت‌گذاری اقتصادی مدنظر قرار گرفته و مقام معظم رهبری به خوبی راهکارها را تبیین کرده‌اند اما باید مکانیزم‌های اجرایی متناسب تبیین شود. اگر قیمت‌گذاری واقعی صورت گیرد، باید تدابیر لازم برای جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی اندیشیده و از فروش این شرکت‌ها تا مدت معینی جلوگیری شود.

حتی می‌توان مقرر کرد تا اگر این شرکت‌ها به قیمت روز توسط خریداران اولیه فروخته شود، باید ۷۵ درصد مابه‌التفاوت قیمت توسط دولت اخذ شود. با این کار امکان سرمایه‌گذاری، بازدهی تولید و سود

سرمایه‌گذار تامین می‌شود چرا که سرمایه‌گذار با هدف دستیابی به سود نسبت به مشارکت در تولید اقدام می‌کند. بخش غیردولتی نیز با ابلاغ این سیاست‌ها به سوی سرمایه‌گذاری‌هایی که سوددهی بیشتری دارد، گرایش پیدا می‌کند.

باید توجه کرد که حتی برخی شرکت‌های زیانده باید به رایگان واگذار شود تا به سود برسد. این کار در نهایت به نفع انفال و منافع اقتصادی کشور خواهد بود. اکنون دولت در چارچوب بودجه سالانه اعتباراتی را برای تعداد زیادی از شرکت‌های دولتی در نظر می‌گیرد که در واقع به بودجه دولت تحمیل شده و به دلیل زیانده بودن حتی مالیات نیز نمی‌دهند. حال اگر این شرکت‌ها واگذار و حداقل مالیاتی از آنها اخذ شود، آیا این کار به سود انفال نخواهد بود. باید نگرش‌ها نسبت به واگذاری این شرکت‌ها تغییر کند. تجربه کشورهای اروپای شرقی نشان می‌دهد، بسیاری از واگذاری شرکت‌ها به قیمت کمتر از قیمت واقعی آن انجام شده است. باید قیمت‌گذاری به گونه‌ای صورت گیرد که سود مطلوب سرمایه‌گذاران تامین شود.

## ● برخی معتقدند باید شرکت‌های زیانده دولتی پس از به سود رسیدن واگذار شود، نظر شما چیست؟

○ این منطق غلط است چرا که واگذاری شرکت‌ها در وضعیت موجود مدنظر بوده و در صورتی که دولت قادر بود این شرکت‌ها را سودده کند، تاکنون این کار صورت گرفته بود. از سوی دیگر، شرکت‌های مذکور با قیمت معین و در وضعیت موجود عرضه خواهند شد. اگر این ابلاغیه زمینه‌های اجرایی و ابزار مناسب را در اختیار بخش غیردولتی قرار داده و بسترهای لازم فراهم شود، حتماً بخش غیردولتی و خصوصی توفیق حضور موثر در عرصه سیاست‌های اصل ۴۴ را خواهد داشت. معتمد تنها راه رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و قوانین ۵ ساله توسعه کشور، اجرایی شدن سیاست‌های مذکور است. همچنین با اجرایی

شدن این سیاست‌ها باید سیستم‌های قیمت‌گذاری نیز تابع بازار رقابتی باشد، مثلاً مقرر است تا برخی شرکت‌های هواپیمایی واگذار شود؛ این در حالی است که شرکت‌های مذکور با وجود دریافت یارانه، زیانده هستند و این کار موجب نارضایتی مردم و شرکت‌های مذکور شده است. چرا نباید از ظرفیت‌های موجود بهره‌گیریم؟ هر هفته ۱۲۰ پرواز از ایران به دبی صورت

**معتمد در طول برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، سیستم قیمت‌گذاری شرکت‌های دولتی غلط بوده و این امر موجب گردیده تا واگذاری شرکت‌های دولتی با هدف تامین منابع مالی مورد نیاز دولت انجام شود و در واقع شرکت‌های مذکور حیف و میل شده‌اند.**

می‌گیرد، این امر نشانگر وجود پتانسیل‌های بالا در این بخش است. باید این شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شده و قیمت بلیت هواپیما نیز در چارچوب قیمت‌های بین‌المللی و به شکل رقابتی تعیین شود، این کار بهبود کیفیت، ارائه خدمات و به‌سازی ناوگان حمل و نقل هوایی را به دنبال خواهد داشت. به جرات می‌گویم بخش خصوصی قادر به انجام این کار است. سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی توانمندی لازم را دارند اما وجود قیدوبندهای دست و پاگیر موجب شده تا بخش‌های غیردولتی قادر به حضور و سرمایه‌گذاری در این زمینه نباشند.

همچنین با ابلاغ این سیاست‌ها باید رسانه‌های جمعی نیز موانع و مشکلات اجرایی شدن این سیاست‌ها را به چالش کشیده تا دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به رفع این موانع و ارائه راهبردهای اجرایی اقدام کنند.

